

به شکنجه جسمی و روانی انسانها باید پایان داده شود

صفحه ۸

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۹۶
شنبه ۲۳ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

در صفحات بعد میخوانید :

- سخن از سلاحی رایگان که پربهاست. درباره مجموعه شعر سیاوش کسری «از فرق تاخرو سخوان» از احسان طبری (صفحه ۵ ستون اول)
- رنگین نامه ها از بختیار چهره ای «آزادخواه و وطنپرست» میسازند! (صفحه ۲ ستون سوم)
- در نیکار آگونه چه میگردد؟ (صفحه ۷ ستون اول)
- به ضد انقلاب بهانه ندهید (صفحه ۶ ستون پنجم)
- امریکا بعنوان «بهشت موعود» در تلویزیون معرفی میشود (صفحه ۶ ستون اول)
- تشکیل سندیکای واقعی خواست اساسی رانندگان تاکسی است (صفحه ۳ ستون اول)

تجربه ۲۳ تیر

نگذاریم امپریالیسم با حادثه سازی و نفاق افکنی جنبش انقلابی ما را تضعیف کند

در صفحه ۶

حزب توده ایران به وظیفه خود عمل میکند

دقایقی که در ایران میگذرد، تاریخ ساز است. بدلیل همین اهمیت تاریخی زمان است که هیچ فرصتی را برای پیشبرد امر انقلاب، تحکیم دستاوردهای انقلاب و سرکوب ضد انقلاب نباید از دست داد.

این اهمیت تاریخی زمان را همه آنها که قلبشان برای ایران و سرنوشت انقلاب آن مینهد، احساس کرده اند، چه آنها که به نوعی قدرت اجرایی در دولت و ارگانهای رهبری انقلاب دارند و چه آنها که دستشان از قدرت اجرایی کوتاه است، اما امید و نگرانی شان کمتر از آنها نیست.

صداقت گروه دوم در افشای حقایق ناگوار و بسدا درآوردن زنک خطر، بدور از جنجال و بلوای توام با سوء نیت و تضعیف انقلاب و رهبری آن و تلاش برای اتحاد همه نیروهای راستین انقلاب برای دفاع از دستاوردهای انقلاب است و حسن نیت گروه اول در عدم حاشای واقعیات و بخند گرفتن تمام حسن نیت انقلابی برای دور ساختن هر چه سریعتر خطراتی که انقلاب را تهدید میکند و در نتیجه تحکیم انقلاب و رهبری آنست.

حزب توده ایران که با گنجینه ای از تجربه ۲۸

سال مبارزه بیامان در راه استقلال و آزادی ایران و بهروزی خلق ایران، با تمام قوا در خدمت انقلاب عظیم ایران است، با ایمان به حساس بودن زمان و تاریخی بودن دقایقی که میگذرد، در کسوت گروه دوم، بدلیل در دست نداشتن قدرت اجرایی، با ایمان به تلاشی هرچه وسیعتر برای تحکیم دستاوردهای انقلاب، خود را موظف میداند، آنجا که لازم است، زنک خطر را بسدا درآورد و حقایق تلخ را بگوید. این زنک خطر بارها درباره مسائل گوناگون بعنوان هشدار بسدا درآمده است. اما گروه اول که نقش اجرایی دارد، در برابر تمام هشدارهایی که داده شده به مسئولیت تاریخی خود عمل کرده است؟

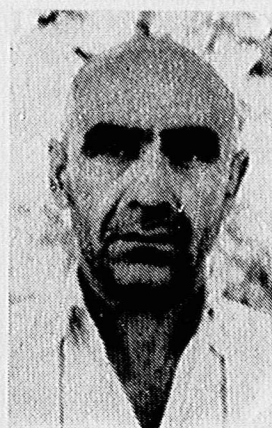
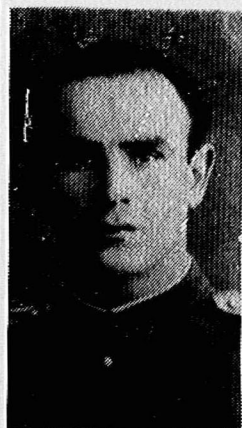
بقیه در صفحه ۲

بعد از ۱۵ سال که از اعدام او میگذرد:

راز شهادت رفیق قبادی فاش شد

رفیق قبادی در آخرین روزهای زندگی به هم زنجیرش گفت: در ایران از من خواستند که نسبت به حزب توده ایران و شوروی ابراز

تفسیر کنم و پشاه اسلام وفاداری کنم، ولی من زیر بار نرفتم و از حزب و از کارم دفاع کردم و حاضر نشدم به شوروی هم بد بگویم.



موی نهاد حسین قبادی، چند لحظه قبل از شهادت (سال ۱۳۴۳) و در لباس نظامی (سال ۱۳۲۹)

۱۵ سال پیش، در سرگاز روز بیست و دوم تیر ماه ۱۳۴۳، رفیق توده ای ما، ستوان قبادی به جوخه اعدام شاه خونخوار سپرده شد و باین ترتیب رفیق قهرمان دیگری به صف شهدای توده ای پیوست. ستوان قبادی، که از افسران فعال و مبارز سازمان نظامی حزب توده ایران بود، در سازماندهی فرار ۱ نفر توده ای از زندان، در سال ۱۳۲۹، شرکت داشت و به همراه آنها رفت و سرانجام ناچار به مهاجرت سیاسی به اتحاد جماهیر شوروی شد. رفیق، تا سال ۱۳۳۰، همراه دیگر رفقای حزبی به فعالیت خود ادامه داد، اما در این سال به خاطر شرایط روحی ویژه ای که داشت، تصمیم گرفت به ایران برگردد. حزب توده ایران، با توجه به نفرتک بازی رژیم شاه خائن، سعی فراوان کرد که او را از بازگشت بایران بازدارد، ولی ستوان قبادی در بازگشت خود اصرار کرد. درقبال اصرار دائمی و مکرر او راهی جز قبول نبود، او بعد از گرفتن اجازه بازگشت و ویزا از سفارت ایران در مسکو، بایران بازگشت. دشمنان حزب و اتحاد شوروی، مانند معمول، به دروغ کوئی و اتهام زنی پرداختند و گفتند که گویا حزب توده ایران و اتحاد شوروی، ستوان قبادی را، به دولت ایران

بقیه در صفحه ۲

شاه مخلوع بدستور نیکسون به خاور میانه باز میگردد

سفر شاه مخلوع به اسرائیل از آن جهت به تعویق افتاده است، تا ملاقاتش با نیکسون، رئیس جمهوری سابق آمریکا، انجام شود. بی تردید ملاقات نیکسون و شاه مخلوع برای احوالپرسی انجام نمیشود. نیکسون بعنوان یکی از اصلی ترین مهره های امپریالیسم آمریکا، که در حال حاضر سمت رسمی ندارد، ولی در واقع سفیر خصوصی کاخ سفید و امپریالیستهای آمریکاست، بی شک حمایت آمریکا از شاه مخلوع را باو ابلاغ خواهد کرد و برایش توضیح خواهد داد که کاخ سفید باین دلیل مایل نیست شاه در آمریکا ساکن شود که:

- ۱- میبایست به منطقه بازگردد و بر عملیات ضد انقلابی علیه انقلاب ایران نظارت مستقیم داشته باشد.
- ۲- سکونت شاه در آمریکا خشم خلق ایران را نسبت به آمریکا تشدید خواهد کرد و این خشم دست آمریکا را برای بازگشت به ایران و نجات پایگاههایش، که زیر ضربات انقلاب است، می بندد.

شاه به منطقه خاور میانه بازمیگردد. هدف از این سفر قرار گرفتن در قلب رویدادها و تدارکات ضد انقلابی علیه انقلاب ایران است. قرارگاه شاه مخلوع، آنچنان که از اخبار منتشر شده برمی آید، اسرائیل است. اما محافل آگاه هشدار داده اند که شاه مخلوع بطور رسمی وارد اسرائیل نمیشود، ولی پیشک کشورهای دیگری در منطقه نظیر مصر، اردن، مراکش و احتمالاً عربستان و عمان نیز بصورت پایگاههای مخفی مورد استفاده شاه قرار خواهند گرفت تا هم مستقیماً در کار تدارکات ضد انقلابی عمالشان نظارت داشته باشد و هم حمایت محافل ارتجاعی این کشورها را جلب کند و هم یک مقر ثابت نداشته باشد تا مورد تهاجم و شناسائی و ترور احتمالی قرارگیرد.

سفر شاه مخلوع به اسرائیل پس از مذاکراتی طولانی با نفوذترین و در عین حال کمترین سیاستمداران آمریکاست صورت میگیرد که در رأس آنها هنری کوسینجر، وزیر خارجه سابق و دلال و کارگزار سیاستهای ضد خلقی آمریکا قرار دارد.

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

مردم و مردم

بدفتر مردم» اشعار زیادی می‌رسد. شعرا با پناهیات شور و علاقه احساسات ستودنی خویش و اندیشه‌های خود را به نظم عرضه می‌دارند و ما نتوانیم کج‌جهت بخاطر جای کم صفحات مردم» وجه بعثت سطح منتقیر و نا کافی اغلب این اشعار، تا چاریم از چاپ آنها سرفه نظر کنیم. رگه‌های استعداد و ذوق شاعرانه در این اشعار ارسالی کم نیست و آن امیدواری دوستان مردم» با مطالعه هرچه بیشتر آثار ادبی کهن و جدید آشنائی با گنجینه بسیار ما می‌دهد و فارسی و بلا بر بردن سطح توقع از خویشتر، برای ما اشعار هرچه بهتر می‌فرستند.

منجمله ما شعر «دوآوردگی» را از علی ا. دریافت کرده‌ایم با بیت: «درچینان توده زندگی ساز است، دست او هست در بنای زمان» و شعر بزرگ دوست، که در منظومه «تیر مانیای خلق و پندار را میسراید. شعری از پرند گرفته‌ایم منجمله باین ابیات: «او بیخنت به حلقه ماه اینجا، پیام روز را، به شیزدگان گفت آشکارا...» در فراتر ماه رگ، فریاد میکند از آرزوی دور / بیدار باش، از قطره قطره خون شمشیدان و دستان / صدها چراغ روشن خورشید بریدید».

«از تسکین چندین شعر دریافت داشته‌ایم منجمله با این بیت: «شاخه‌های نابوری که تا کسان / ز شاخه زساقات بریده‌اند / جوان‌های تازه داده است. شعر طالع از ا.ا.گ. باین آندیشه شاعرانه شروع می‌شود که: «گرچه شب با چراغ و ماه / و هزاران جسم ناپیدا / در دل پس کوجه‌های شبنم / سخت می‌کاوید» چند منظومه از ب.ب. محمودزاده بنام «دیوارها» آرس. داودی، شعر اول ماه مه از م.ر. از اسفهان با این آغاز که: «روز موعود میاید، روز آزادی روز فریاد رسای کارگر» شعر محمد کامی درباره «شسید روزیه» و شعر ج. بنام «سنگد» از آثار احمد با «هستی گرم بانها که همچو کوه استوار ماندند» شعری از «دلخ» درباره «فریاد امیریالیست حامی شاه جنایتکار» و شعر دیگر احمد با مطلع: در ظلمت شبی عیبق شبی سبکین و سخت / دیوی پلید خون خلائق مکید و رفت بما رسیده است. شعر بدون امضا با این مصرع: «آسمان عسله کرد رعد را / زمر عنان برای شمشیدان حزب توده ایران» و شعر «شایرک» که گنون اشعارش در «مردم» چاپ شده، با این بیت شاعرانه: «این روزها حتی / آهنگ برگیای درختان / آواز سینه‌جمی آزادیست، در بین اشعار واصل است. و همچنین شعری از حیدر برای روزیه که میگوید: «هزاران قایق، بادبانهای عسک تو پوره از همه این دوستان شمشیر و آزارینگی نمیتوانیم همه اشعار را، بعلی که گفتم چاپ کنیم» پوشش میطلبیم. دوایان، سلووری از آخرین شعر تکثیر را در «مردم» چاپ رسیده میآوریم:

من بی گوه دانی،
با سنگین‌ترین سلسلیا
چه میتوانم بکنم؟
آتش پیروی که بکشایی؟
وقتی که خصم من
در پشت پرده‌های تیرنگ و فریب
سینه‌های سنی برادران مرا
در مقابل سلاح شترکینم
می‌شاند.

اجتماع جگر فروشهای تهران در مقابل نخست وزیری

حدود ۱۰۰ جگر فروش، از سوی پنج هزار عضو صف جگر فروشهای تهران، روز دوشنبه مقابل نخست‌وزیری اجتماع کردند تا به تصوم دولت مبنی بر فروش همه جگرها به یک سر ماهی‌فروشان اعتراض کنند. عده‌ای از آنها به عنوان اعتراض به این تصوم تاکنون دوبار در وزارت کشاورزی و اداره گوشت کشور متحصن شده‌اند. منته‌ین همگویی، تصوم دولت برای فروش تمام جگرهای تهران به یک نفر و بعد فروش مجدد آن توسط این سر ماهی‌فروشان به صف پیکاران، باعث قهقریه‌های بی‌شمار از قیمت دست‌اول، علاجات پزشکی و حتی سرمایه‌داری است. از حایک بعد از پیروزی انقلاب و سرنگون شدن رژیم سابق، و که حامی سرمایه‌داران بود، اکنون دولت باید از ما بی‌چیزها و منحرف‌ها حمایت کند. پی‌مرد جگر فروش منجمله ما شعر «دوآوردگی» را از علی ا. دریافت کرده‌ایم با بیت: «درچینان توده زندگی ساز است، دست او هست در بنای زمان» و شعر بزرگ دوست، که در منظومه «تیر مانیای خلق و پندار را میسراید. شعری از پرند گرفته‌ایم منجمله باین ابیات: «او بیخنت به حلقه ماه اینجا، پیام روز را، به شیزدگان گفت آشکارا...» در فراتر ماه رگ، فریاد میکند از آرزوی دور / بیدار باش، از قطره قطره خون شمشیدان و دستان / صدها چراغ روشن خورشید بریدید».

«از تسکین چندین شعر دریافت داشته‌ایم منجمله با این بیت: «شاخه‌های نابوری که تا کسان / ز شاخه زساقات بریده‌اند / جوان‌های تازه داده است. شعر طالع از ا.ا.گ. باین آندیشه شاعرانه شروع می‌شود که: «گرچه شب با چراغ و ماه / و هزاران جسم ناپیدا / در دل پس کوجه‌های شبنم / سخت می‌کاوید» چند منظومه از ب.ب. محمودزاده بنام «دیوارها» آرس. داودی، شعر اول ماه مه از م.ر. از اسفهان با این آغاز که: «روز موعود میاید، روز آزادی روز فریاد رسای کارگر» شعر محمد کامی درباره «شسید روزیه» و شعر ج. بنام «سنگد» از آثار احمد با «هستی گرم بانها که همچو کوه استوار ماندند» شعری از «دلخ» درباره «فریاد امیریالیست حامی شاه جنایتکار» و شعر دیگر احمد با مطلع: در ظلمت شبی عیبق شبی سبکین و سخت / دیوی پلید خون خلائق مکید و رفت بما رسیده است. شعر بدون امضا با این مصرع: «آسمان عسله کرد رعد را / زمر عنان برای شمشیدان حزب توده ایران» و شعر «شایرک» که گنون اشعارش در «مردم» چاپ شده، با این بیت شاعرانه: «این روزها حتی / آهنگ برگیای درختان / آواز سینه‌جمی آزادیست، در بین اشعار واصل است. و همچنین شعری از حیدر برای روزیه که میگوید: «هزاران قایق، بادبانهای عسک تو پوره از همه این دوستان شمشیر و آزارینگی نمیتوانیم همه اشعار را، بعلی که گفتم چاپ کنیم» پوشش میطلبیم. دوایان، سلووری از آخرین شعر تکثیر را در «مردم» چاپ رسیده میآوریم:

رنگین نامه‌ها از بختیار چهره «آزادخواه و وطنپرست» میسازند

تلاش گسترده‌ای از سوی کارگزاران سیاستهای مسیه آغاز شده است تا شاپور بختیار از خیانتی تاریخی نسبت به خلق ایران تبره شود. گردانندگان اصلی این تلاشند در ایران بانواع حیلها سعی دارند این سرسپرده امریکارا، که در یکی از تاریخی‌ترین لحظات انقلاب شکوهمند خلق ایران، اجرای نقشه امریکا را برای ناکام گذاشتن انقلاب سه راهمنائی زنیار هویتزد- تقبل کرد، از زیر ضربات خلق بیرون بکشند و با سوء استفاده از شیاعیات و پیشداوریهای پناحق و مشکلات و نارسانای‌های موجود، از او چیزی‌ها باصلاح آزادخواه بسازند و بخیا ل خود ثابت کنند که آنچه ایشان بمنوان يك «آزادخواه» و «وطنپرست»، قبل از قیام مسلحانه و شکوهمند خلق و سرنگونی کامل رژیم شاه -ساواک پیش‌بینی کرده بود، در حال اتفاق است و آن چیزی نیست مگر همان «فاشیسزم مذهبی»، که گویا میخ آن کوبیده شده و زمینه‌اش فراهم گشته است.

برای این هجوم حاشیه‌دوستان سازمان‌یافته، از طبیعت‌ترین ابزار کار استفاده میشود و این ابزار کار چیزی نیست مگر همان رنگین‌نامه‌های معلوم‌الحال، با سابقه‌ای به «درخشانی» سرسپردگی و بندگی رژیم مخلوع شاه -ساواک و چیزی‌خواری درباره پهلوی. شاید کمتر ایرانی وطنپرست و آزادخواهی نقش آنها را در انحراف، ترویج فساد و دروغ و تزویر دامن زدن به فحشاء، دست افکار و در عین حال تبلیغ آنچه که در دیرباز و ساواک میگردید، فراموش کرده باشد. همین رنگین نامه‌ها، با سابقه‌ای اینچنین، اکنون درجمع تبدیل به طبیعت‌ترین ابزار تبلیغ نفع شاپور بختیار شده‌اند. در متن همین تبلیغات سموم و عوام‌فریبانه و با سوء استفاده از مشکلاتی که مردم ایران با این دست به گریبانند و بیم وهراسی که بدلیل برخی اقدامات نادرست درای بخش وانحصارطلبی‌ها در دل جمع‌راه یافته است، ضد انقلاب می‌ریزند.

ما این هجوم حاشیه‌دوستان سازمان‌یافته، از طبیعت‌ترین ابزار کار استفاده میشود و این ابزار کار چیزی نیست مگر همان رنگین‌نامه‌های معلوم‌الحال، با سابقه‌ای به «درخشانی» سرسپردگی و بندگی رژیم مخلوع شاه -ساواک و چیزی‌خواری درباره پهلوی. شاید کمتر ایرانی وطنپرست و آزادخواهی نقش آنها را در انحراف، ترویج فساد و دروغ و تزویر دامن زدن به فحشاء، دست افکار و در عین حال تبلیغ آنچه که در دیرباز و ساواک میگردید، فراموش کرده باشد. همین رنگین نامه‌ها، با سابقه‌ای اینچنین، اکنون درجمع تبدیل به طبیعت‌ترین ابزار تبلیغ نفع شاپور بختیار شده‌اند. در متن همین تبلیغات سموم و عوام‌فریبانه و با سوء استفاده از مشکلاتی که مردم ایران با این دست به گریبانند و بیم وهراسی که بدلیل برخی اقدامات نادرست درای بخش وانحصارطلبی‌ها در دل جمع‌راه یافته است، ضد انقلاب می‌ریزند.

همین رنگین نامه‌ها، پرچم «آزادخواهی» (سبک

راز شهادت رفیق قبادی ...

تحویل داده و موجب مرگ او شده‌اند! حزب توده ایران در همان زمان این اتهام فجیع را طبق اسناد رد کرد. (دروزرنامه مردم، دوره ششم ، شماره ۱۵ خردادماه ۱۳۴۵ ، اسنادی که خواست رفیق را برسی بازگفت با ایران تأیید می‌کند، به چاپ رسیده‌است.) اینک بار دیگر، پس از ۱۵ سال، در عهد قبادی واقفیت را فاش و صحت نظر حزب توده ایران را تأیید و اتهام زنان را رسوا میکند. درخیمان شاه، برغم وعده‌هایی که به رفیق قبادی دادند، او را دستگیر کردند و به‌تکلیف بردند. درشکجه گناه بر او ریختند؛ همچسک سخن نداشت. سرانجام يك روز، رژیم‌شاه مخلوع، خیر تیر بارقان او را اعلام کرد.

با پیروزی انقلاب و آزاد شدن هزاران زندانی سیاسی ، راز مرگ رفیق فاش گردید و روشن شد که رژیم‌شاه مخلوع او را بخاطر دفاع از آرمان‌اش، به‌سبب اینکه حاضر نشده بود علیه حزب‌توده ایران و اتحاد شوروی دروغ‌بگوید و جانش را نجات بدهد، تیرباران کرده است.

رفیق محمد صنیع، کارگری که به ۱۱ سال زندان محکوم شده بود و در آخرین روزهای زندگی دروق قبادی، در بند زندان قصر، با وی بوده‌است، راز مرگ او را در نامه‌ای چنین‌فاش کرده‌است ، «یکی دو روز قبل از زندان او را به زندان شماره ۳ قصر آوردند. روحه بسیار خوبی داشت، اما از چیزی خشکیون بود. با کسر راه نمی‌رفت. با کسی حرف نمی‌زد. من خیلی دلم میخواست با او صحبت کنم. بالاخره دل بندیا زدم و هنگامی که در حیاط سه‌گوش زندان شماره ۳ قصر قدم می‌زد کنار او بسراه افتادم و گفتم، اجازه میدی که با هم راه برویم؟ در جوابم گفت، اگر سوال پیچم نکنی، عیبی نداره. و باین ترتیب مدتی با هم قدم زدیم و آنوقت شروع کرد به حرف‌زدن و گفت:

«درکناری سازمان نظامی پیش‌آمد و اعدام کردن تمهیدی از افراسره که این دیگر روی من خیلی اثر گذاشت و من تلاش می‌کردم که باین بر گردم. دلم میخواست که جای آنها بودم. هر سال تلاش کردم که بمن اجازه بدن که باین بر گردم، ولی دوستان شوروی راضی نمی‌شدند و می‌گفتند که اگر باین بر گردی ترا می‌کشند. سرانجام آنها را عاجز کردم و بالاخره با نوعی راضی‌بندی به من اجازه بازگشت با ایران دادن و از قرا ارمولو صحبت‌هایی‌شده بود مرا تکشند. ولی در ایران از من خواستند که نسبت به حزب توده ایران وفادری کنم و این امر را قبول نکردم و حاضر نشدم به شوروی هم بد بگم. من حتی در خارج چندبار، مخصوصاً يك بار در کتب کشاورز با من صحبت کرد و خیلی تلاش کرد که مرا بطرف نظریات چینی‌ها بکشاند. ولی من حرف او را قبول نکردم و زیر بار آن رفم، آن‌خسر بگفتم. خلاصه مرا با اعدام محکوم کردند.»

باین ترتیب اکنون روشن شده‌است که رفیق قبادی، بخاطر دفاع از آرمان حزب خود، حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، جان خود را از دست داده است. خاطره‌ای بناگرفیق شهیدما جاودیدان باد!

اخبار کارگری

تشکیل سندیکای واقعی

خواست اساسی رانندگان تاکسی است

بوزروازی لیربال) را بدست شاپور بختیار داده‌اند. متأسفانه آگاهانه و یا ناآگاهانه، جمعی از رجال خوش‌نام ایران، که برخی از آنها حتی در دستگاه دولتی نیز بطور مستقیم یا غیر مستقیم نفوذ دارند، باین سیاست یاری می‌رسانند و سعی در تبرئه شاپور بختیار دارند و عمل و سازش خیانت‌بار او را با خدشت قلمداد میکنند و یا این سؤال را مطرح میکنند که: عمل او خدمت بود یا خیانت؟ یعنی عملا این راه را باز می‌گذارند که عده‌ای درباره خیانت او شك کنند! کافی است به رنگین‌نامه‌های چند هفته اخیر نگاهی بیاندازید تا عمیقاً این کارزار تبلیغاتی را احساس کنید و با چندین نام معروف، که از بختیار دفاع کرده‌اند، برخورد نمائید.

ما برای خشی کردن تمام این تبلیغات سوء و پرملای کردن توطئه‌گرانی که در رنگین‌نامه‌ها لاف کرده‌اند و فعالیت ضد انقلابی خود، با رنگبیا و پوششهای مختلف و جمله تبلیغات نفع شاپور بختیار و بی‌گناه جلوه دادن او مشغولند، از دولت و تمام آنهایی که در دستگاه رهبری انقلاب فعالیت دارند و نگران آینده انقلاب ایرانند، می‌خواهیم که هرچه سریعتر لیست ساواکی‌های مطبوعات را انتشار دهند تا مردم مستقیماً بدانند چه دستهای در پشت این رنگین‌نامه‌ها به‌تلاش مشغول است و سرخ گمراه گردن‌ها، تفرقه‌افکنی‌ها و رشایه پراکنی‌ها در دست کیست و آنها که قصد دارند از جمله «بختیار-چهره‌های «آزادخواه» بسازند، کیستند و از چه سازمانها و افرادی برای این کارزار تبلیغاتی رهنمود می‌گیرند؟

از سوی دیگر، این وظیفه تمام دست‌اندرکاران دادگاههای انقلاب است که مدارک موجود در باره خیانت تاریخی شاپور بختیار را رسماً اعلام کنند و در اختیار مردم بگذارند تا آنچه ضد انقلاب درباره به‌صلااح خدمات و آزادیخواهیهای شاپور بختیار رشته است، برای همیشه پنبه شود. ادامه سکوت مسئولین امر و تشدید تبلیغات نفع شاپور بختیار، توسط عوامل شناخته شده و سرسپرده، با استفاده از رنگین‌نامه‌ها، واقعا جایز نیست.

شاه مخلوع بدستور نیکسون ...

بقیه از صفحه ۱
حادثی نظیر حمله به هواپیمای رئیس‌ستاد ارتش در اوواز و فرودگاه این شهر، انفجار دمقن پاسداران و حمله به مقر پاسداران درجده شهر و از جمله شهرقم، که میبایست بیشتر ازهر شهر دیگر ایران امنیت آن حفظ شود، و تشدید بی‌برودهای مسلحانه در روستاهای ایران و به آتش کشیده شدن محصولات دوستانان، در پس از ۱۵ سال، در عهد قبادی واقفیت را فاش و صحت نظر حزب توده ایران را تأیید و اتهام زنان را رسوا میکند. درخیمان شاه، برغم وعده‌هایی که به رفیق قبادی دادند، او را دستگیر کردند و به‌تکلیف بردند. درشکجه گناه بر او ریختند؛ همچسک سخن نداشت. سرانجام يك روز، رژیم‌شاه مخلوع، خیر تیر بارقان او را اعلام کرد.

با لاگرفتن عملیات ضد انقلاب در درون کشور، تشدید فعالیت ضد انقلاب در بیرون از مرزهای ایران و خیر بازگشت شاه مخلوع (و این دو از نزدیکترین یاران شاه مخلوع و مشوق او در کشور مردم و سرکوب رژیم‌های انقلاب در زمان خود بوده‌اند و اکنون در مطبوعات امریکا پی‌پی‌ای اعلام می‌دارند که سیاست آنها در مورد ایران صحیح بوده است و میبایست انقلابت ایران را و وحشیانه سرکوب می‌کردند. قسمتی از اظهارات این دو اخیراً در ایران نیز منتشر شده است) که بیشک بخش اساسی آنرا ساله ایران و سرکوب انقلاب آن رفتی که شاه مخلوع میتواند در این زمینه‌بازی کند، اشغال کرده است، مارا بر آن میدارند که قاطعانه از رهبران انقلاب بخواهیم، بانشاد هرچه بیشتر عملیات ضد انقلاب را بکنیم. زمینه‌های ناراضی، که اخبار مربوط به آن بصورت تحریک آمیز در برخی از مجلات و روزنامه‌ها منتشر میشود، باید از بوسن برده شود. هرچه قاطع‌تر میبایست به تحریک احساسات مردم و بالا گرفتن درگیری‌های موضعی بین گروههای مختلف و برپائی جنک حیدری- نمئی پایان داد. احساسات می‌تواند که دست‌های دکار است تا به تمام مواردی که ماتوخاوان باین‌درون به آنها هستیم، دامن بزنند و همزمان با آن، ضمن ایجاد ناامنی دهر‌مرزهای ایران و برهم زدن سیاست حسن‌معمورادی با همسایگان ایران، امیریالیسم امریکا را از زیر ضربات انقلاب بیرون بکشند و برای مردم جبهه‌های دیگری بکشایند. و این همان فرسنی است که امریکا، با جلوگیری از ورود شاه مخلوع به امریکا، بازگرداندن او به منطقه خاورمیانه، طالب آنست، تا بموقع ض‌بکاری خود را به انقلاب ایران وارد کند. حضور نظامی امریکا در این‌آب‌های خلیج فارس و پشتپنای نظامی از ضد انقلاب بمنوان دفاع از مردم ایران، که دروازه‌های آنرا قرار داد دو جبهه نظامی ایران و امریکا بازگذاشته و هنوز در لئو آن اقدام قاطع نشده است، نیز جزئی از این نقشه آمریمنی است.

در این حساس‌ترین لحظات تاریخ ایران، وظیفه رهبران انقلاب است که توطئه امیریالیسم و ارتجاع را سرکوب کنند و در این زمینه از تمام نیروهای دوست انقلابی یاری گیرند.

از کمکهای رفقا و دوستان دوستان سپاسگزاریم

واحد حزبی سولد ۱۱۵۰ کورون سولدی
واحد حزبی سولد ۱۰۰۰ مارک آلمان فدرال

نمونه‌ای از دستاوردهای انقلاب پس از انقلاب شورای کارخانه جنرال موتورز که از دوازده نفر هشت نفر کارگر و چهار نفر کارمند- تشکیل شده، حداقل حقوق کارگران را در این کارخانه به ۱۲۰۰ تومان بود. به ۲۵۰۰ تومان ارتقاء داد و موازی با آن حقوق مدیران را که حدود سی تا چهل هزار تومان بود. به سطح ۱۷ هزار تومان تقلیل داد. که این امر موجب رضایت کارگران و ناراضی مدیران شده است.

تحصن بمنظور اعتراض به عدم صلاحیت سرپرست موقت

کارکنان سازمان خدمات اجتماعی که موسسه‌ای وابسته به دربار بود، از روز ۲۳ مرداد ۵۸ در اعتراض به عدم صلاحیت سرپرست موقت این سازمان و پرداخت حقوق عده‌ای از کارکنان دست به تصن زده‌اند. روزنامه «انقلاب اسلامی» در ارتباط با این تصن در شماره ۴ تیر ۱۳۵۸ خود نوشته است، واقفیت اینست که بسیاری از انتصابات در سطح ادارات که عمده‌ا بقاء مدیران مسئولان گذشته انجامید، از اساس دچار اشکال است. کارکنان سازمانها، ادارات، کارخانجات و... که چهره ضد خلقی و مهابت واقعی این مسئولان بر آنها بی‌وشیبه نیست، از دولت انقلاب انتظار اینگونه اشتباهات و انحرافات را ندارند و حق هم دارند.»

۱۵ نفر از متحصنین سازمان خدمات اجتماعی اعتصاب غذا کرده‌اند. آنها اعلام داشته‌اند تا تحقق خواستهای فوق‌تنها در اتحاد و یگانگی ماست. ما باید بنوائیم با ایجاد سندیکای واقعی تاکسی رانان برای بدست آوردن حقوق پایمال شده خود کوشش نمائیم. تا زمانیکه برآکنده هستیم، تا هنگامیکه فاقد تشکولات صنفی خود، یعنی فاق سندیکای واقعی تاکسی رانان می‌باشیم، به هیچکدام از حقوق حقه فوق نمی‌رسیم. پیش بسوی ایجاد سندیکای واقعی تاکسی رانان بندر انزلی! وظایف و اهداف ما در وزارتخانه‌های مربوطه ارجاع نمود.

بته اصفحه ۱

حزب توده ایران با تجربه‌ای که از سالها مبارزه دارد و با درسهای گرانبهای که به قیمت خون هزاران شهید و اسیر توده‌ای از شکستها و پیروزیهای گذشته گرفته است و با شناختی که از مجموع انقلابی‌جان دارد، آنچه که خطر به انقلاب نزدیک میشود، هشدار میدهد، اما آنها که امور اجرایی را در دست دارند و نگاه همانند یاران توده‌ای ما، بیش از ۶۰ سال درصحنه مبارزات خلق ایران برای بدست آوردن استقلال و آزادی بوده‌اند، با مرور تاریخ مبارزات خوین متعاصر ایران و سرگردمی امیریالیسم امریکا در ایران میشود، هشدار میدهم.

در تعدادی از شهرها، عواملی که توانسته‌اند در کمیته‌ها نفوذ کنند و با بی‌شرمی شانه به‌شانه پاسداران جان‌برکف انقلاب بدهند، با اعمالی که مرتکب میشوند، ناراضی می‌ترشند و با تضعیف محبوبیت پاسداران و کمیته‌ها در نزد مردم، علائمی از کارسازترین سازمانهای انقلابی را فلج میکنند و از اعتبار می‌اندازند. در برابر سبل انگاری در قضیه این کمیته‌ها که بارها امام آترا خوانده است، هشدار میدهم.

ما به آن دسته از گروهکهای پلنگ‌ها، که چهره خود را با مارکسیسم می‌آرایند و سعی دارند در کار بازاری ایران بعد از پیروزی انقلاب، کارشکنی کنند، هشدار می‌دهم و با صراحت می‌گوییم که این عمل آنها خدمت به ضد انقلاب است. ضد انقلاب با استفاده از زمینه‌هایی که در برخی از مناطق ایران نظیر خوزستان و کردستان و بلوچستان وجود دارد، در فعالیت‌های خود افزوده است و با استفاده از برخی از عناصر ناآگاه شروع میشود و تا چهل کارت کارگری فلان کارخانه توسط فلان گروهک چپ‌لما امتداد می‌یابد. ما با تجربه‌ای جهانی و شناختی که از مهابت امیر- یالیسم جهانی، بسرگردگی امریکا و داریم و با

اعتصاب پیروزمند کارگران کارخانه ایران الکتریک رشت

کارگران مبارز کارخانه ایران الکتریک رشت در روز چهارشنبه ۲۳ مرداد ۵۸ اعلام اعتصاب کردند. آنان طی اعلامیه‌هایی که منتشر نموده‌اند، علت اعتصاب خود را شرح زیر ذکر کرده‌اند، ما کارگران کارخانه ایران الکتریک، که برای احقاق حقوق غصب شده خود بارها، از طریق شورا یا نمایندگان کارفرما و اداره کار و اجتماع در مورد خواستهایمان مذاکره و گفتگو کرده‌ایم، ولی تاکنون هیچگونه پاسخ قاطعی در این جهت بماداده نشده است....

کارگران سرانجام در اثر تشکل و اتحاد، روز چهارشنبه ۲۳ مرداد، توانستند با تحویل خواستهای خود به کارفرما، درموارد زیرین به اعتصاب یک هفته‌گیشان پیروزمندانه خاتمه دهند. ۱- پرداخت حق مسکن و خواربار و نیز سرویس ایاب و ذهاب از اول خردادماه ۵۸ بشرح زیرین، ۲۷۵ تومان برای کارگران مجرد و ۶۷۵ تومان برای سرپرست‌ها.

۲- محسوب شدن زمان صرف غذا در ۸ ساعت کار روزانه، ۳- افزایش پول غذای کارگران شبکار به ۱۵۰ تومان. در ضمن با بعضی دیگر از خواستهای کارگران بطور شفاهی موافقت شده که از جمله آنها، اخراج مهندس حسینی، خواهرزاده لشکرانی صاحب کارخانه ایران الکتریک و نیز تهمساراد شیراست.

کارگران و رانندگان شرکت ایران سرعت دچار اجحاف شده‌اند

کارگران و رانندگان شرکت ایران سرعت، بدلیل خواستهای بحق خویش، از روز ۲۳ مرداد ۵۸ در دفتر شرکت تصن اختیار کرده‌اند. این شرکت دارای تریلی و دیگر وسایل نقلیه است. در طول سالهای خفتان، کارگران این شرکت به‌همراه عوام مغایر مختلف مورد اجحاف کارفرما قرار گرفته‌اند، که از آن جمله است اخراج چندین تن از نمایندگان منتخب کارگران بدلیل مطرح ساختن در دوران سازندگی انقلاب شرکت داشته باشند، برای حل مشکلات خویش به وزارت کار و نخست‌وزیری مراجعه کرده‌اند، ولی چون این دو مرجع به خواستهای آنان رسیدگی نکردند، بناچار تصن اختیار کرد و برای حل مشکلات عده‌به‌عده خویش به کمیته امام‌موسول شده‌اند. مهمترین خواست این کارگران تأمین شرایطی است که اداره کار را ممکن کند. کارگران معتقدند که در اول کنونی کار این شرکت بنحوی است که بزودی تعطیل خواهد شد. و درهله دوم، کارگران این شرکت مسائل است که سود ویژه خود را دریافت نکرده‌اند و همچنین مدت دوسال است که کارفرما حق بیمه را از حقوق کارگران کسر کرده، ولی بشرکت بیمه پرداخت نکرده است، لذا این کارگران از ابتدائی ترین حق خویش، که تأمین خدمات درمانی است، محروم مانده‌اند.

کارگران با تحقیقاتی که انجام داده‌اند و با استناد بمدارک بدست‌آمده، مدعی‌اند که مدیرعامل کارخانه و درتن از سهام‌داران ساواکی‌اند. در ضمن در این شرکت رانندگان و کارگران بنگلادشی مشغول کار بوده‌اند، که تمهادهای حدود ۱۰۰ نفر است و اینان همچنین بانه برادران کارگری ایرانی خویش مورد اجحاف کارفرما قرار گرفته‌اند. ما کسوت کارگران ایرانی روی احقاق حقوق کارگران و رانندگان خارجی، بدلیل عدم آشنائی آنان با زبان فارسی، تأکید بیشتری دادند.

حزب توده ایران به وظیفه خود عمل می‌کند

مربوط به کردستان که در شماره روز شنبه ۱۷ تیرماه «مردم» چاپ شد گوشه‌ای از این واقفیت است. ما در برابر این سبل انگاری که باعث بالاگرفتن موج ضد انقلابی میشود و تحریف و اقیاباتی که در این مناطق میگذرد و همچنین بخش اخبار و تفسیرهایی که باین کمک به حل این مشکلات، ایجاد تحریک میکند، هشدار میدهم.

به آنها که خواب فاشیسم را دیده و سراسیمه به خیابان پرده‌اند تا بشرح آنچه در رویا دیده‌اند، چنگال پیا کنند هشدار میدهم، و به آنها که جبهه اصلی نبرد نبرد علیه امیریالیسم را فراموش کرده‌اند و غیر عده‌را بجای عده در برابر خود قرار داده‌اند، به آنها بی‌کراهی که برای انحصاری کردن قدرت کورس بسته‌اند، هشدار میدهم و اعلام می‌کنیم که این اعمال تخم نفاق را در جامعه بخش میکند.

ما درلک در ادامه تصفیه ارتش و شتابزدگی در سازمان دادن آن را خطرناک می‌دانیم و هشدار میدهم. کشدن کار دادگاههای انقلاب را خطری جدی برای انقلاب میدانیم و همچنین آزاد شدن عده زیادی از زندانیان ضدانقلابی را، که بی شصت کامل و بدون اعلام دلیل دستگیری و آزادباشن در محبوسات می‌شوند و هجوم از موضع راست افراطی به پیش‌نویس قانون اساسی رانیز خطری جدی تلقی می‌کنیم و هشدار میدهم. و سرانجام عمیقاً نگران امنیت شهر قم هستیم و در این زمینه هشدار میدهم! برای رفع همه این نگرانی‌ها معتقدیم که گروه نخست، که قدرت اجرایی دارد، قبل از هرصیحت و دلالت، میبایست قاطعانه و انقلابی عمل کند. در غیر اینصورت ضد انقلاب با خیال راحت برای درهم کوبیدن انقلاب ایران دست به‌عمل خواهد زد.

میتوانند اعتراض کنند.

روز سه شنبه ۱۷ مرداد ۵۸ در حدود ۲۰۰ نفر از کارگران قسمت موتوروی و رانندگان شهربرداری در سان قسمت موتوروی جهت اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود اجتماع کردند. پس از مذاکراتی که بین نمایندگان کارگران و شهربرداری صورت گرفت، شهربرداری تعهد کرد که تا ۱۶ تیرماه، تمام مده‌ی آنها پرداخت گردد و اگر تا تاریخ فوق حقوق کارگران پرداخت نشود، آنها میتوانند اعتراض کنند.

روز سه شنبه ۱۷ مرداد ۵۸ در حدود ۲۰۰ نفر از کارگران قسمت موتوروی و رانندگان شهربرداری در سان قسمت موتوروی جهت اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود اجتماع کردند. پس از مذاکراتی که بین نمایندگان کارگران و شهربرداری صورت گرفت، شهربرداری تعهد کرد که تا ۱۶ تیرماه، تمام مده‌ی آنها پرداخت گردد و اگر تا تاریخ فوق حقوق کارگران پرداخت نشود، آنها میتوانند اعتراض کنند.

این همه گذشت

به زمین خواران

چرا؟



طرح از نمایشگاه تمیلا امیرالبراهیمی

معزل مسکن، که میتوان آن را در کمیابی و گرانی و غیر بهداشتی بودن آن، در فقدان ویایعم دسترسی به خدمات اولیه (درمانگاه، بیمارستان، مدرسه، پارک و غیره) دوری از محل کار خلاصه کرد، چنان عیان است که حتی چارچوب تبلیغاتی رژیم منفور شاه مخلوع هم به آن متصرف بودند.

چنگ انداختن مثنی غارتگر زمین خوار، که خاندان پهلوی در آن قراردادش، بر سر اراضی بایر موات و بوری سازی بازمین، که به هر آنگاه به میزانی بسا بقه در ابراز بی نظیر در جهان بالا بردند، بطوریکه ۶۰-۵۰ درصد بهای مسکن را تشکیل میداد، یکی از عوامل عمده در پدید آمدن مصل مسکن بود.

قانونی که بنام «قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری» شهرت یافت و چندی پیش به تصویب شورای انقلاب رسید، با آنکه در صورت پیروی از یک سیاست و بر نشانه صحیح و سنجیده میتوان نقش چشمگیری در حل معضل مسکن داشته باشد، ولی ایرادات جدی نیز بر خود این قانون وارد است.

ایراد عمده در تقاضی است که در متن قانون وجود دارد و این تناقض، بطوریکه میتوان حدس زد - حدس نه چندان دور از واقعیت - نتیجه اغمازی است که نسبت به زمین خواران اعمال شده است.

در مقدمه قانون بدرستی اعلام شده است که «طبق موازین اسلام زمین موات ملک کسی شناخته نمیشود و در اختیار دولت اسلامی است و اسناد مالکین که در رژیم سابق، نسبت به زمین های موات در داخل محدوده شهری یا خارج آن صادر شده، برخلاف موازین اسلام و مصلحت مردم بوده است، از این مقدمه باید این نتیجه منطقی گرفته شود که، زمین هایی که به دولت یا عموم مردم تعلق داشته، در زمان رژیم سابق، برخلاف قانون و موازین، برای آنها سند مالکیت صادر شده، یعنی از طرف عمده ای زمین خوار غصب شده، و همین جهت باید بدون چون و چرا از این غاصبین پس گرفته شود، اسناد مالکیت آن باطل گردد، کسانی که این زمین ها را در اختیار غاصبین گذارده اند و خود این غاصبین باشند تمام قیمت قبلی را بگیرند، ولی، برخلاف انتظار، نتایج هیچکدام از این اقدامات ضرر و فساد نونی ایجاد نکرده، بلکه قانون دست این غاصبین را در بهره برداری از این زمین ها نه فقط باز نگذاشته، بلکه برای انسان اولویت قائل شده است، بشرح زیر:

۱- با اینکه در مقدمه قانون، از زمین موات «داخل محدوده شهری یا خارج آن» سخن میرود، یعنی برای زمین های فسیر مرزی شناخته نمیشود، بد می توانست مسخ و مصلحت کند، سر نوشت یک قانون ۲۵ ساله شهرها محدود میگردد، یعنی اراضی فسیر خارج از محدوده ۲۵ ساله را عملاً در مسالکت این زمین خواران باقی میگذارد.

۲- در همین ماده یک، دولت مکلف میشود که به تدریج و با رعایت طرح تفصیلی شهر در هر منطقه به کسانی که طبق موازین رژیم سابق، مالک اینگونه اراضی شناخته میشوند (توجه به اعلام نماید تا ظرف مدت معینی، نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند. دولت بجای اینکه بلافاصله از این قبیل افراد سلب مالکیت نما مشروع آنان را بکند، میخواهد «بدرستی»، «باید» طرح تفصیلی شهر با آن مهلت دهد «ناظر مدت معینی» نسبت به عمران و آبادی این اراضی فسیر اقدام کند! آیا این چیزی جز زدن مهر تأیید بر حاتم بخشی طاقتور اعظم بر طاقتوران رین و درشتی که سالها مردم ایران را چاق میکنند، نیست تا زده قط پیر از همه این گشت ها و چشم پوشی هاست که اگر زمین - خواران نتوانستند «به عمران و آبادی» زمین های فسیر بپردازند، دولت برای «گوشمالی» آنان هیچگونه اولویتی، برایشان قائل نخواهد شد!

۳- در ماده سوم قانون آمده است که برای «نحوه اعلام» به کسانی که در رژیم سابق مالک اینگونه اراضی شناخته میشوند و تشخیص موات بودن و عمران آبادی ... آئین نامه ای از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

آیا تمام این چه و خهای آئین نامه ای، «نحوه اعلام» تشخیص موات بودن و اعلام عمران و آبادی و ... نه در دست انقلابیون راستین، بلکه در دست خرابکاران و فسادگرانی که متأسفانه قانون دست این غاصبین را در بهره برداری از این زمین ها نه فقط باز نگذاشته، بلکه برای انسان اولویت قائل شده است، بشرح زیر:

۱- با اینکه در مقدمه قانون، از زمین موات «داخل محدوده شهری یا خارج آن» سخن میرود، یعنی برای زمین های فسیر مرزی شناخته نمیشود، بد می توانست مسخ و مصلحت کند، سر نوشت یک قانون ۲۵ ساله شهرها محدود میگردد، یعنی اراضی فسیر خارج از محدوده ۲۵ ساله را عملاً در مسالکت این زمین خواران باقی میگذارد.

۲- در همین ماده یک، دولت مکلف میشود که به تدریج و با رعایت طرح تفصیلی شهر در هر منطقه به کسانی که طبق موازین رژیم سابق، مالک اینگونه اراضی شناخته میشوند (توجه به اعلام نماید تا ظرف مدت معینی، نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند. دولت بجای اینکه بلافاصله از این قبیل افراد سلب مالکیت نما مشروع آنان را بکند، میخواهد «بدرستی»، «باید» طرح تفصیلی شهر با آن مهلت دهد «ناظر مدت معینی» نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند. دولت بجای اینکه بلافاصله از این قبیل افراد سلب مالکیت نما مشروع آنان را بکند، میخواهد «بدرستی»، «باید» طرح تفصیلی شهر با آن مهلت دهد «ناظر مدت معینی» نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند.

۳- در ماده سوم قانون آمده است که برای «نحوه اعلام» به کسانی که در رژیم سابق مالک اینگونه اراضی شناخته میشوند و تشخیص موات بودن و عمران آبادی ... آئین نامه ای از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

خبرهایی از روستاهای مازندران

ساری: اخیراً در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران کشت و صنعت شمال در مقابل استانداری اجتماع کردند و خواستار رسیدگی به خواسته های خود در ۱۲ ماده شدند. نماینده کارگران کشت و صنعت با استاندار ملاقات کرد.

بهبود: در این شهر زمین داران با نفوذ، مانند دیگر شهرهای مازندران، مشغول اخذ لکتری و سیم پیرازند، دولت برای «گوشمالی» آنان هیچگونه اولویتی، برایشان قائل نخواهد شد!

۳- در ماده سوم قانون آمده است که برای «نحوه اعلام» به کسانی که در رژیم سابق مالک اینگونه اراضی شناخته میشوند و تشخیص موات بودن و عمران آبادی ... آئین نامه ای از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

آیا تمام این چه و خهای آئین نامه ای، «نحوه اعلام» تشخیص موات بودن و اعلام عمران و آبادی و ... نه در دست انقلابیون راستین، بلکه در دست خرابکاران و فسادگرانی که متأسفانه قانون دست این غاصبین را در بهره برداری از این زمین ها نه فقط باز نگذاشته، بلکه برای انسان اولویت قائل شده است، بشرح زیر:

۱- با اینکه در مقدمه قانون، از زمین موات «داخل محدوده شهری یا خارج آن» سخن میرود، یعنی برای زمین های فسیر مرزی شناخته نمیشود، بد می توانست مسخ و مصلحت کند، سر نوشت یک قانون ۲۵ ساله شهرها محدود میگردد، یعنی اراضی فسیر خارج از محدوده ۲۵ ساله را عملاً در مسالکت این زمین خواران باقی میگذارد.

۲- در همین ماده یک، دولت مکلف میشود که به تدریج و با رعایت طرح تفصیلی شهر در هر منطقه به کسانی که طبق موازین رژیم سابق، مالک اینگونه اراضی شناخته میشوند (توجه به اعلام نماید تا ظرف مدت معینی، نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند. دولت بجای اینکه بلافاصله از این قبیل افراد سلب مالکیت نما مشروع آنان را بکند، میخواهد «بدرستی»، «باید» طرح تفصیلی شهر با آن مهلت دهد «ناظر مدت معینی» نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند.

۳- در ماده سوم قانون آمده است که برای «نحوه اعلام» به کسانی که در رژیم سابق مالک اینگونه اراضی شناخته میشوند و تشخیص موات بودن و عمران آبادی ... آئین نامه ای از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

آیا تمام این چه و خهای آئین نامه ای، «نحوه اعلام» تشخیص موات بودن و اعلام عمران و آبادی و ... نه در دست انقلابیون راستین، بلکه در دست خرابکاران و فسادگرانی که متأسفانه قانون دست این غاصبین را در بهره برداری از این زمین ها نه فقط باز نگذاشته، بلکه برای انسان اولویت قائل شده است، بشرح زیر:

۱- با اینکه در مقدمه قانون، از زمین موات «داخل محدوده شهری یا خارج آن» سخن میرود، یعنی برای زمین های فسیر مرزی شناخته نمیشود، بد می توانست مسخ و مصلحت کند، سر نوشت یک قانون ۲۵ ساله شهرها محدود میگردد، یعنی اراضی فسیر خارج از محدوده ۲۵ ساله را عملاً در مسالکت این زمین خواران باقی میگذارد.

۲- در همین ماده یک، دولت مکلف میشود که به تدریج و با رعایت طرح تفصیلی شهر در هر منطقه به کسانی که طبق موازین رژیم سابق، مالک اینگونه اراضی شناخته میشوند (توجه به اعلام نماید تا ظرف مدت معینی، نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند. دولت بجای اینکه بلافاصله از این قبیل افراد سلب مالکیت نما مشروع آنان را بکند، میخواهد «بدرستی»، «باید» طرح تفصیلی شهر با آن مهلت دهد «ناظر مدت معینی» نسبت به عمران و آبادی اینگونه اراضی اقدام کنند.

اخبار هفتگی

در روستای طارس هم شورای دهقانی تشکیل شد

از روستای طارس که تقریباً ۱۲۰۰ نفر جمعیت دارد و یکی از روستاهای بخش فیروزکوه است، ما قبلاً خبرهایی پخش کرده بودیم. در گزارش مفصل تری که «مردم» دریافت داشته، چنین می خوانیم:

دهقانان این روستا در مبارزه بر علیه رژیم استبداد محمد رضا شاه سابقه درخشانی دارند. به خصوص در سال ۳۲، زیر رهبری حزب توده ایران، مبارزاتشان مشکلتی بود حتی تا کنون هم، علیرغم تبلیغات رژیم فاسد گذشته، چندین نفر از دهقانان به حزب خویش وفادارند، که یکی از آنان به همین جهت بزندان هم افتاده است.

دهقانان این روستا، همچون دیگر زحمتکشان ایران، که خمشی آشتی ناپذیر علیه رژیم منحط پهلوی داشتند، در انقلاب عظیم سال گذشته، که موجب دهبابی آنان و بطور کلی خفایای ایران از یوغ امپریالیسم و استعمار شد، شرکت فعالانه داشتند و این انقلاب را از آن خود میدانند. دهقانان این روستاها از هر گونه امکانات رفاهی و انزوی، آب لوله کشی، برق، بهداشت، حمام بهداشتی، سباده و وسائل کشاورزی، که نتیجه غارتگریهای رژیم سابق است، محروم هستند و حتی آب زراعتی آنان، که از قنات استفاده میشود، نیز کافی نیست. دهقانان این روستا اکنون که انقلاب پیروزمند سال گذشته به آنان فرصت داد تا به حقوق از دست رفته خویش دست یابند، اقداماتی در جهت بهبود وضع خویش نمودند.

از آنجمله تصاحب دوباره صدها هکتار مرتع، که در رژیم سابق مالکی به نام داستانی و شرکت زراعی به زور از آنان گرفته بودند و بسیاری احشام انسان نقش حیاتی دارد. آنها همچنین توانستند شورای دهقانی خود را تشکیل دهند تا از طریق دست و اسولی به خواسته های خود تحقق بخشند.

دهقانان زحمتکش با اعتبار کافی نیاز دارند

اهالی قریه گلستانه در نوشت نامه خود را به بانک صادرات جمهوری اسلامی ایران برای مراد فرستاده اند. آنها مینویسند: «فدائاتی که از طرف دولت جهت ملی شدن بانکها انجام گرفت، باعث خشنودی مادمقانان گردید، زیرا یقین حاصل نمودیم که بعد از این بانکها با سود کمتر وامکان بیشتر و شرایط سبکتری اختیارات ما در دهقانان محل، چه کشاورز چه کاسب و چه مردم دیگر را برآورده میسازند و این عمل انقلابی را بدولت تبریک میگوئیم. ولی متأسفانه بدون هیچگونه مجوز قانونی شصه بانک صادرات گلستانه را، که دارای باقره هزار خوار در خود محل ده هزار کارگر کرمیوزخانه شمس آباد در نزدیکی است و همه با بانک سرو کار داشتند، تعطیل نموده و مردم زحمتکش و آوار شده اند شش کیلومتر راهیمانی کنند تا برای کارهای بانکی به محل دیگری بروند که این مشکل بزرگی است. بعقیده ما دهقانان این عمل می تواند ناشی از سوء چینی و یا عمل سیرهای ضد انقلاب باشد که جهت بوجود آوردن ناراضی در بین مردم در چنین شرایطی صورت میگیرد». دهقانان در پایان مینویسند: «لطیفه دولت انقلاب است که گوشش نماید وسیله بانکها و اختیارات مردم و کشاورزان را بهر شکلی که ممکنست چه از نظر سود کم وام ها و چه از نظر مبلغ مورد احتیاج چه از نظر تسهیلات نامین، نماید، زیرا پایه و اساس اقتصاد کشاورزی ما را با توجه به اینکه بانک گلستانه با رقم ۲۷۰ هزار ریال کارگرد بانک کارمند فعالیت میکرده، شصه ملی شده بانک دوباره باز شده»

مشکلات فراوان مردم ایسین

دوره بزرگ ایسین، که در استان هرمزگان قرار دارد، با مشکلات و بربورست، اسکود آب، چون جاهای آب متعلق به مالکان است و آب لوله کشی وجود ندارد. ۲۰۰۰ بیوند برق، با وجود اینکه مبلغی در حدود ۱۲۰ هزار تومان بوجه آن تأمین شده است. ۳۰۰ بیوند دکتور و دادر، درمانگاه و امکانات بهداشتی. در حالیکه ساختمان درمانگاه تمام شده، از دکتور خری نیست. ۲۰۰ بیوند جاده در محل که مشکلات فراوان میافزیند. ۵۰ بیوند شرکت تعاونی که اسما هست، ولی گویا بعلت نبودن مدیریت درست تعطیل است. ۶۰ بیوند نانوالی و نمایندگی فروش گاز، مردم برای خرید یک کیسول گاز ۱۹ تومانی باید حداقل ۳۵ تومان بدهند. ۷۰ بیوند بیمهستان؛ با وجود اینکه مدرسه راهنمایی تاحالا در دوره فراغ التحصیل داده، دانش آموزان مجبورند برای ادامه تحصیل پیش بروند که این کار برای همه امکان پذیر نیست. در ضمن ساختمانی برای کودکان دسترنج گردان که از آن استفاده نمیشود و چه بهتر که آنرا به دبیرستان تبدیل کنند. ۸۰ بیوند هیچگونه نظافت در محل که مردم هم برای رفع این مشکل وجود ندارد. اهالی قریه ایسین خواستارند مقامات مسئول به وضع روستای بزرگ آنان توجه کنند.

دوره بزرگ ایسین، که در استان هرمزگان قرار دارد، با مشکلات و بربورست، اسکود آب، چون جاهای آب متعلق به مالکان است و آب لوله کشی وجود ندارد. ۲۰۰۰ بیوند برق، با وجود اینکه مبلغی در حدود ۱۲۰ هزار تومان بوجه آن تأمین شده است. ۳۰۰ بیوند دکتور و دادر، درمانگاه و امکانات بهداشتی. در حالیکه ساختمان درمانگاه تمام شده، از دکتور خری نیست. ۲۰۰ بیوند جاده در محل که مشکلات فراوان میافزیند. ۵۰ بیوند شرکت تعاونی که اسما هست، ولی گویا بعلت نبودن مدیریت درست تعطیل است. ۶۰ بیوند نانوالی و نمایندگی فروش گاز، مردم برای خرید یک کیسول گاز ۱۹ تومانی باید حداقل ۳۵ تومان بدهند. ۷۰ بیوند بیمهستان؛ با وجود اینکه مدرسه راهنمایی تاحالا در دوره فراغ التحصیل داده، دانش آموزان مجبورند برای ادامه تحصیل پیش بروند که این کار برای همه امکان پذیر نیست. در ضمن ساختمانی برای کودکان دسترنج گردان که از آن استفاده نمیشود و چه بهتر که آنرا به دبیرستان تبدیل کنند. ۸۰ بیوند هیچگونه نظافت در محل که مردم هم برای رفع این مشکل وجود ندارد. اهالی قریه ایسین خواستارند مقامات مسئول به وضع روستای بزرگ آنان توجه کنند.

دوره بزرگ ایسین، که در استان هرمزگان قرار دارد، با مشکلات و بربورست، اسکود آب، چون جاهای آب متعلق به مالکان است و آب لوله کشی وجود ندارد. ۲۰۰۰ بیوند برق، با وجود اینکه مبلغی در حدود ۱۲۰ هزار تومان بوجه آن تأمین شده است. ۳۰۰ بیوند دکتور و دادر، درمانگاه و امکانات بهداشتی. در حالیکه ساختمان درمانگاه تمام شده، از دکتور خری نیست. ۲۰۰ بیوند جاده در محل که مشکلات فراوان میافزیند. ۵۰ بیوند شرکت تعاونی که اسما هست، ولی گویا بعلت نبودن مدیریت درست تعطیل است. ۶۰ بیوند نانوالی و نمایندگی فروش گاز، مردم برای خرید یک کیسول گاز ۱۹ تومانی باید حداقل ۳۵ تومان بدهند. ۷۰ بیوند بیمهستان؛ با وجود اینکه مدرسه راهنمایی تاحالا در دوره فراغ التحصیل داده، دانش آموزان مجبورند برای ادامه تحصیل پیش بروند که این کار برای همه امکان پذیر نیست. در ضمن ساختمانی برای کودکان دسترنج گردان که از آن استفاده نمیشود و چه بهتر که آنرا به دبیرستان تبدیل کنند. ۸۰ بیوند هیچگونه نظافت در محل که مردم هم برای رفع این مشکل وجود ندارد. اهالی قریه ایسین خواستارند مقامات مسئول به وضع روستای بزرگ آنان توجه کنند.

دوره بزرگ ایسین، که در استان هرمزگان قرار دارد، با مشکلات و بربورست، اسکود آب، چون جاهای آب متعلق به مالکان است و آب لوله کشی وجود ندارد. ۲۰۰۰ بیوند برق، با وجود اینکه مبلغی در حدود ۱۲۰ هزار تومان بوجه آن تأمین شده است. ۳۰۰ بیوند دکتور و دادر، درمانگاه و امکانات بهداشتی. در حالیکه ساختمان درمانگاه تمام شده، از دکتور خری نیست. ۲۰۰ بیوند جاده در محل که مشکلات فراوان میافزیند. ۵۰ بیوند شرکت تعاونی که اسما هست، ولی گویا بعلت نبودن مدیریت درست تعطیل است. ۶۰ بیوند نانوالی و نمایندگی فروش گاز، مردم برای خرید یک کیسول گاز ۱۹ تومانی باید حداقل ۳۵ تومان بدهند. ۷۰ بیوند بیمهستان؛ با وجود اینکه مدرسه راهنمایی تاحالا در دوره فراغ التحصیل داده، دانش آموزان مجبورند برای ادامه تحصیل پیش بروند که این کار برای همه امکان پذیر نیست. در ضمن ساختمانی برای کودکان دسترنج گردان که از آن استفاده نمیشود و چه بهتر که آنرا به دبیرستان تبدیل کنند. ۸۰ بیوند هیچگونه نظافت در محل که مردم هم برای رفع این مشکل وجود ندارد. اهالی قریه ایسین خواستارند مقامات مسئول به وضع روستای بزرگ آنان توجه کنند.

دوره بزرگ ایسین، که در استان هرمزگان قرار دارد، با مشکلات و بربورست، اسکود آب، چون جاهای آب متعلق به مالکان است و آب لوله کشی وجود ندارد. ۲۰۰۰ بیوند برق، با وجود اینکه مبلغی در حدود ۱۲۰ هزار تومان بوجه آن تأمین شده است. ۳۰۰ بیوند دکتور و دادر، درمانگاه و امکانات بهداشتی. در حالیکه ساختمان درمانگاه تمام شده، از دکتور خری نیست. ۲۰۰ بیوند جاده در محل که مشکلات فراوان میافزیند. ۵۰ بیوند شرکت تعاونی که اسما هست، ولی گویا بعلت نبودن مدیریت درست تعطیل است. ۶۰ بیوند نانوالی و نمایندگی فروش گاز، مردم برای خرید یک کیسول گاز ۱۹ تومانی باید حداقل ۳۵ تومان بدهند. ۷۰ بیوند بیمهستان؛ با وجود اینکه مدرسه راهنمایی تاحالا در دوره فراغ التحصیل داده، دانش آموزان مجبورند برای ادامه تحصیل پیش بروند که این کار برای همه امکان پذیر نیست. در ضمن ساختمانی برای کودکان دسترنج گردان که از آن استفاده نمیشود و چه بهتر که آنرا به دبیرستان تبدیل کنند. ۸۰ بیوند هیچگونه نظافت در محل که مردم هم برای رفع این مشکل وجود ندارد. اهالی قریه ایسین خواستارند مقامات مسئول به وضع روستای بزرگ آنان توجه کنند.

دوره بزرگ ایسین، که در استان هرمزگان قرار دارد، با مشکلات و بربورست، اسکود آب، چون جاهای آب متعلق به مالکان است و آب لوله کشی وجود ندارد. ۲۰۰۰ بیوند برق، با وجود اینکه مبلغی در حدود ۱۲۰ هزار تومان بوجه آن تأمین شده است. ۳۰۰ بیوند دکتور و دادر، درمانگاه و امکانات بهداشتی. در حالیکه ساختمان درمانگاه تمام شده، از دکتور خری نیست. ۲۰۰ بیوند جاده در محل که مشکلات فراوان میافزیند. ۵۰ بیوند شرکت تعاونی که اسما هست، ولی گویا بعلت نبودن مدیریت درست تعطیل است. ۶۰ بیوند نانوالی و نمایندگی فروش گاز، مردم برای خرید یک کیسول گاز ۱۹ تومانی باید حداقل ۳۵ تومان بدهند. ۷۰ بیوند بیمهستان؛ با وجود اینکه مدرسه راهنمایی تاحالا در دوره فراغ التحصیل داده، دانش آموزان مجبورند برای ادامه تحصیل پیش بروند که این کار برای همه امکان پذیر نیست. در ضمن ساختمانی برای کودکان دسترنج گردان که از آن استفاده نمیشود و چه بهتر که آنرا به دبیرستان تبدیل کنند. ۸۰ بیوند هیچگونه نظافت در محل که مردم هم برای رفع این مشکل وجود ندارد. اهالی قریه ایسین خواستارند مقامات مسئول به وضع روستای بزرگ آنان توجه کنند.

دربارهٔ مجموعهٔ «از قرق تا خروسخوان» از سیاوش کسرای

سخن از سلاحی رایگان، که پر بهاست

برای کسرای، رفتگان از غیبت، پس از سر بلندی مردمان، همانند سروهای گورستان قد میکشند و دمدم در جادهٔ زمان فرات میروند تا جایی که با دیدگان بر تالار خود مانده خورشید همه جبارا می یابند. لذا بهشت زهرا و هر گورستان دیگری که این رفتگان سر بلند در آن خفته اند، پایان راه نیست. شهیدی را که چون دانهٔ شکفتهٔ خون در خاک نهاده اند، در تمام پهنهٔ زمین ریشه میدارند. تا آنجا که با هستی تمام زمین یکی میشود. شخصیتی فدا شده برای جامعه، گناه خورشید آسمانی است کارزمین مادر. خورشیدی که نور زندگی می افشاند و زمینی که نموهٔ زندگی بار می آورد. آری، همین سبب پهنهٔ بهشت زهرا، است از گور شهیدان، از چهارده تا بیست و چند ساله، مزین است، شخوذه، دانهٔ فشانده، مزرعهٔ نمونا انقلاب است. مزرعهٔ نمونهٔ انقلاب در روزهای انقلاب و پس از آن، در آن بخش گورستان، که شهیدان را خاک کرده اند، بهشت زهرا ابتدا گورستان نیست. آن زندگی خون آلوده، که در زوی خاکش دفن شده، زندگی خورسخوان» را بر ساخته و هر شورش و بیدار و آگوشهٔ ماها و ماها می افشاند که مردم ما همین سال پیش گذارنده اند، در حالیکه هنوز در راهند و هنوز کارها در پیش است.

شیر و فلسفه برآوردند و اگر دشمن از اندیشهٔ فلسفی نباشد و مایه ای نباشد، از اندیشهٔ فلسفی که آنگونه که در کتاب «انقلابیون» در آنجا که این زندگی است که سوگستان کنگرگوست. این زندگی است که سوگستان مهربان را که با دانشگاهی بدل کرده است، یعنی جایی که انسانها زنده میمانند از آگاهی برتن میکنند. زنده آگاهی سلاح عمدهٔ انقلاب است و با بقول شاعر، تنها سلاحی

بیشتر در خیابان و کوچه های شهر میکردند، بعد از تازیک شدن هوا کارشان پاک کردن شمارهای روی دیوار علیه بارکت و اگر درستان برسد، بجای شمار پاک شده و با خط خود، شعاری علیه پهلوی روئی حزب توده ایران و نور محمد تره کی مینویسند. بعضی ها شان هم که سرور زبانی دارند و می توانستند که نامشاهی و کردی صحبت کنند، از سبج می افتنند نوی شهر و علیه کونوسیم و کشورهای سوسیالیستی تبلیغ میکنند، که ناهای دربا کساری ارشش، معصوما و احدیاتی که در منطقه کورستان مستقر بوده اند و هستند، دلیل این بی پروا وانیها و نفاق افکنی هاست.

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

که از خیابان اصلی شهر عبور میکنند، مردم را هم ادامه دادند. در سر راه خیابان اصلی شهر، روی بسیاری از کوچه ها و محله ها و خیا با نهای فرعی شهر، دهها بار ششمار علیه امپریالیسم امریکا، درود به روان پاک شهیدان، دعوت به هیئتک اول ماه مه و بالاخره دهها بار نامه ای بر آواز شهیدان بنام خلق نظوسر حکمت جوها و تیز انی هاوار... بچشم خود.

بیشتر در خیابان و کوچه های شهر میکردند، بعد از تازیک شدن هوا کارشان پاک کردن شمارهای روی دیوار علیه بارکت و اگر درستان برسد، بجای شمار پاک شده و با خط خود، شعاری علیه پهلوی روئی حزب توده ایران و نور محمد تره کی مینویسند. بعضی ها شان هم که سرور زبانی دارند و می توانستند که نامشاهی و کردی صحبت کنند، از سبج می افتنند نوی شهر و علیه کونوسیم و کشورهای سوسیالیستی تبلیغ میکنند، که ناهای دربا کساری ارشش، معصوما و احدیاتی که در منطقه کورستان مستقر بوده اند و هستند، دلیل این بی پروا وانیها و نفاق افکنی هاست.

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

که از خیابان اصلی شهر عبور میکنند، مردم را هم ادامه دادند. در سر راه خیابان اصلی شهر، روی بسیاری از کوچه ها و محله ها و خیا با نهای فرعی شهر، دهها بار ششمار علیه امپریالیسم امریکا، درود به روان پاک شهیدان، دعوت به هیئتک اول ماه مه و بالاخره دهها بار نامه ای بر آواز شهیدان بنام خلق نظوسر حکمت جوها و تیز انی هاوار... بچشم خود.

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

که از خیابان اصلی شهر عبور میکنند، مردم را هم ادامه دادند. در سر راه خیابان اصلی شهر، روی بسیاری از کوچه ها و محله ها و خیا با نهای فرعی شهر، دهها بار ششمار علیه امپریالیسم امریکا، درود به روان پاک شهیدان، دعوت به هیئتک اول ماه مه و بالاخره دهها بار نامه ای بر آواز شهیدان بنام خلق نظوسر حکمت جوها و تیز انی هاوار... بچشم خود.

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

که از خیابان اصلی شهر عبور میکنند، مردم را هم ادامه دادند. در سر راه خیابان اصلی شهر، روی بسیاری از کوچه ها و محله ها و خیا با نهای فرعی شهر، دهها بار ششمار علیه امپریالیسم امریکا، درود به روان پاک شهیدان، دعوت به هیئتک اول ماه مه و بالاخره دهها بار نامه ای بر آواز شهیدان بنام خلق نظوسر حکمت جوها و تیز انی هاوار... بچشم خود.

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

که از خیابان اصلی شهر عبور میکنند، مردم را هم ادامه دادند. در سر راه خیابان اصلی شهر، روی بسیاری از کوچه ها و محله ها و خیا با نهای فرعی شهر، دهها بار ششمار علیه امپریالیسم امریکا، درود به روان پاک شهیدان، دعوت به هیئتک اول ماه مه و بالاخره دهها بار نامه ای بر آواز شهیدان بنام خلق نظوسر حکمت جوها و تیز انی هاوار... بچشم خود.

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

که از خیابان اصلی شهر عبور میکنند، مردم را هم ادامه دادند. در سر راه خیابان اصلی شهر، روی بسیاری از کوچه ها و محله ها و خیا با نهای فرعی شهر، دهها بار ششمار علیه امپریالیسم امریکا، درود به روان پاک شهیدان، دعوت به هیئتک اول ماه مه و بالاخره دهها بار نامه ای بر آواز شهیدان بنام خلق نظوسر حکمت جوها و تیز انی هاوار... بچشم خود.

بهشت زهرا

در هوای تر پس از باران من خود برادرم را دیدم فراز گورش ایستاده قد کشیده و دستها برافراشته. بالای بلندش هر دم فراز می رفت تن از سرها گذراند بالا و بالاتر شد

بهر دیدنش را سر بر کردم خورشید بود که همه جا می یابید. چه رشدی دارند رفتگان چه اوجی وقتی به سر بلندی مرده اند.

«بهشت زهرا» پایان نیست نه برای آنان که شهیدند چون دانهٔ شکافتهٔ خون در خاک می نهند نه برای آنکه می رود تا به هستی زمین بگناه شود.

«بهشت زهرا» پایان راه هیچ کس نیست. دستهای ناشناس بر گورهای نولناخته غل می گذراند و علامت می نهند، در اینجا جانباختگان بجناب خلق آمده اند نه خانواده.

بر زمین ناهموار، در هر کنار گوشه چند تکه سنگ و سفال و شتاب خطی بر مقواتی نشان خیره شکوهند شهید دست از مقبره تا بیست و چند ساله. جوانی بدین حالک میانه ای می دهد وهم این جوانیست که پهنه گورستان را شخه زده، دانه فشانده است: مزارع نموهٔ انقلاب

اینجا سرودست و صف و آئینا کتاب که دست بدست می رود آسوس و اینسویس و گفتگو می بینید!

چگونه زندگی خانه مرگ را هم دانشگاه کرده است! و حاصل آنکه زهرا از آگاهی می پوشد تنها سلاحی

که این روزها برایگان پخش می شود. اینک برسیه از من که با سپاه رفتگان آمده ام با جوش خون شهیدان آری برسیه از من که من با نیروی مرگ بجنگ شما بازگشته ام.

دوباره دکان پهلوی خود را با وقاحت و بیشرمی خاص خودتان گوشه داید، آیا خودتان را عوض کرده اید زهی بیشرمی و وقاحت! عزت آله هائیونفر و دکتلمحسن درجشکوب نمایند بر ستاین خرمشهر در مجلس منحه شورا دعوت میسر می آمد. در اردیبهشت ۱۳۵۷ از طرف فرمانده مرکز آموزش سر لشکر حسن خفایقی از محسن بزدکفور دعوتی به عمل آمد تا در موضوع رستاخیز در راه باطله انقلاب

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

که از خیابان اصلی شهر عبور میکنند، مردم را هم ادامه دادند. در سر راه خیابان اصلی شهر، روی بسیاری از کوچه ها و محله ها و خیا با نهای فرعی شهر، دهها بار ششمار علیه امپریالیسم امریکا، درود به روان پاک شهیدان، دعوت به هیئتک اول ماه مه و بالاخره دهها بار نامه ای بر آواز شهیدان بنام خلق نظوسر حکمت جوها و تیز انی هاوار... بچشم خود.

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

که از خیابان اصلی شهر عبور میکنند، مردم را هم ادامه دادند. در سر راه خیابان اصلی شهر، روی بسیاری از کوچه ها و محله ها و خیا با نهای فرعی شهر، دهها بار ششمار علیه امپریالیسم امریکا، درود به روان پاک شهیدان، دعوت به هیئتک اول ماه مه و بالاخره دهها بار نامه ای بر آواز شهیدان بنام خلق نظوسر حکمت جوها و تیز انی هاوار... بچشم خود.

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

که از خیابان اصلی شهر عبور میکنند، مردم را هم ادامه دادند. در سر راه خیابان اصلی شهر، روی بسیاری از کوچه ها و محله ها و خیا با نهای فرعی شهر، دهها بار ششمار علیه امپریالیسم امریکا، درود به روان پاک شهیدان، دعوت به هیئتک اول ماه مه و بالاخره دهها بار نامه ای بر آواز شهیدان بنام خلق نظوسر حکمت جوها و تیز انی هاوار... بچشم خود.

همین مبارز برایم تعریف کردند که چگونه این آقایان جرات ندارند و بعضی های فقیر نشون و خیا با نهای فرعی شهر بروند و شمار پاک کنند، زیرا سنا کتین خانه ها و بچه های محل چند بار درس خوبی به شان داده اند. بهمین دلیل شهر است که بعد از خیابان اصلی شهر است که بعد از خیابان معازها، مردم بسیار کم از آن عبور میکنند و اتومبیلها سرعت بطرف مقصد در حرکتند و توجهی به پیاده رویهای خاموش و معزنازی نیستند.

از نامه يك فرد صديق ومنصف:

فقط کار گزاران رژیم شاه مخلوع تا این حد بی شرم بودند

من توده‌ای نیستم. یعنی هنوز نیستم. شاید روزی به‌صفت شما بیرونم. فعلا سخت سرگرم تجدیدنظر در نظرات گذشته‌ام هستم و در این راه روزی هشت تا ده ساعت مطالعه و تحقیق میکنم تا پس از گذر زدن لایحه‌های ناشی از تبلیغات خصمانه رژیم شاه مخلوع و بار بار با بانکی‌اش و پس از درک و آگاهی از تاریخ واقعی نهضت کارگری در ایران، که تاکنون آنرا تحریف شده تحویل ما داده‌اند، راهم را برای خدمت به طبقه کارگر ایران انتخاب کنم.

شاید همان‌طور که گفتیم، این راه همان راه شما باشد، که پیش از ۳۸ سال پیوسته‌اید. هنوز تصمیم نهائی را نگرفته‌ام. گفته‌ام توده‌ای نیستم. اما از ۱۸ سالگی در کار مبارزه با رژیم جنایتکار پهلوی بودم و در همین راه حدود ۷ سال از عمرم را در زندانهای رژیم گذراندم و هنوز آثار شکنجه‌های مأمورین ساواک در بدنم باقیست. من تا کنون بارها برای شما نامه نوشته‌ام و پانجاهم را در دستون «مردم و مردم» گرفته‌ام. این سوالها بیشتر در جهت همان تحقیق و مطالعه‌ایست که در پیش گرفته‌ام. تا راه را پیدا کنم، اما اینبار نامه‌ای که برایتان نوشتم در این رابطه نیست. ماجرا مربوط است به سخن من در آنجا که در باره گردمائی وزارت خارجه از طریق رادیو و تلویزیون، که این روزها نقش یک جانم و نفرت افکنی را پیش گرفته است، بحث شد.

بی‌خمال در خانه به تلویزیون نگاه میکردم و اخبار را در ذهنم جای میدادم که ناگهان گوینده، خبری درباره گردمائی بخش کرد. این خبر همان‌طور که شما هم لایحه‌نویسید، مربوط به مسائل واقعی و مطرح شده در کنفرانس نبود، بلکه مربوط بود به باصطلاح اعتراض یکی از گروهک‌های مائوئیست به حضور نماینده حزب توده ایران در این گردمائی با این مضمون که، ایشان و حزبشان مبلغ سیاست «سوسیال امپریالیسم» در ایران هستند و نباید در این جلسه شرکت میکردند! گوینده تلویزیون این «معتراض» گروهک مائوئیست را «مارکسیست» معرفی کرد و گروهش را نماینده «مارکسیسم» در حالیکه اگر نویسنده خبر گوینده آن از ماهیت چنین گروهکی اطلاعی نداشتند، لابد در سازمان رادیو و تلویزیون بودند و هستند کسانی که برایشان بگویند که آقای «معتراض» مائوئیست است و گروهکش یکی از نمایندگان مائوئیسم در ایران. یعنی همان خط مشی فکری، که در شادوش امپریالیسم امریکه، از همه جنایات امپریالیسم جهانی دفاع میکند و اخبار وارد کارزار عملی هم شده است. نمونه انکارناپذیرش را میخواهید؟ به اخبار مربوط به ویتنام، کامبوج، لائوس، نهضت‌های رهاگسی بخش آفریقا و آسیا، پشتیبانی از رژیم خونخوار پینوشه و رژیم سرنگون شده شاه تا آخرین دقائق حیات آن که شاید هنوز هم ادامه داشته باشد، نکاهی دو باره بیاندازید.

در هر صورت، هنگام بخش این خبر من روانه توسط گردانندگان بخش خبر تلویزیون و سانسور بقیه آنچه در این گردمائی گذشت، دوربین تلویزیون برای چند لحظه‌ای جلسه گردمائی را نشان داد. در همین موقع چشم بصورت رنج کشیده ولی در عین حال مصمم محمدعلی عموی افتاد، که یکی از دو نماینده حزب توده ایران در این جلسه بود. خبری که تلویزیون بخش کرده بود، یکبار دیگر پسرعت از ذهنم عبور کرد. اشک در چشمانم جمع شد. بی‌اختیار با صدای بلند گفتم: زهی بی‌شرمی!

براستی که چنین بی‌شرمی تنها از آن خود فروختگان رژیم شاه مخلوع بود. چنین بی‌شرمی وقایع که در حد مائوئیست‌ها، این همکاران و همپالکته‌های امپریالیسم و نوکران سرپرده آن، نظیر شاه مخلوع است.

ولی در واقع تعجب من بیشتر ناشی از سیاست ضد توده‌ای و نفاق افکنانه تلویزیون در این زمینه است. نماز روش نماینده گروهک مائوئیست، که دستش رو شده است.

از گردانندگان تلویزیون می‌پرسم که برآستی در میان دهها خبر و رویدادی که این روزها حزب توده ایران در آن نقش دارد، فقط اعتراض فلان گروهک مائوئیست به حضور نماینده این حزب در گردمائی وزارت خارجه خبر است؟! حزب توده ایران خود بهتر میتواند به این عمل ناپسندانه اعتراض کند و با هر روشی که صلاح میدانند، برگزینند. اما من این حق را در اینجا برای خویش، بمنوان یک زندانی سیاسی، قائلم که، با صدای بلند بگویم، اگر شما که دستتان به وسائل ارتباط جمعی رسیده است و آنرا در خدمت تنگ نظرهای خود بکار گرفته‌اید، **محمدعلی عموی** را نمی‌شناسید و با بخش خیر تحریک کننده عملا مانند آن مائوئیست آبرو بساخته، تیغ تهمت بصورت یکی از شریف‌ترین چهره‌های مبارز ایران میکشید، هیچ زندانی سیاسی، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، نیست که این چهره را نشاناسد و به صداقت و انسانیت او ایمان نداشته باشد.

محمد علی عموی بیش از ۲۵ سال از عمرش در کنار رفقای افسر حزب توده ایران در زندانهای شاه خائن سپری شده است. اگر حرفم را باور ندارید و یا بدلیل عدم حضور در ایران از این حماسه‌های غرور آورین اطلاعات کافی ندارید، به آیت‌الله طالقانی - آیت‌الله منتظری - آیت‌الله غفاری - آیت‌الله خلخالها و صدها مبارز مذهبی و غیر مذهبی، که پس از اسالها اسارت

به شکنجه جسمی و روانی انسان چه مرجعی باید پایان داده شود

چه مرجعی جوابگوست؟

از طرف گروهی از کارکنان بانک ایران و ژاپن، مطالب زیر به مردم رسیده است، که توجه خوانندگان را به آن جلب میکنیم. کلیه کارکنان بانکها با نام ایرج آژرم، معاون ابوالقاسم خردجو، در بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران آشنا هستند. ایرج آژرم در زمانی که در بانک صنعتی معاون خردجو بود، به اعطاء اعتبارات، تنگت به صاحبان صنایع و سرمایه‌های وابسته به امپریالیسم و شاهپورها و سایر عوامل رژیم سابق در دستک، صاحب نام و شهرتی شد تا اینکه در حدود سه سال پیش - آبان ۵۵ - با کمک اکبر لاجوردیان سرمایه‌دار و کارخانه‌دار معروف، به مدیر عاملی بانک ایران و ژاپن منصوب شد. البته در این انتصاب شرفیاهامی هم اعمال نفوذ داشت.

ایرج آژرم در مدت ۲/۵ سال در بانک ایران و ژاپن، با حقوق و مزایائی در حدود ماهی ۲۴۰ هزار تومان، میلیاردها تومان اعتبار در اختیار عوامل مزدور رژیم سابق گذاشت که عمده زیستی از آنها مقاطعه کاران و سرمایه‌داران وابسته‌فرازی هستند. از جمله بویک صابر، مصباح زاده و مسعودی. کارمندان بانک میکوبند، همین عوامل بودند که ایرج آژرم را بقدرت رساندند و این مدیرعامل مزدور میلیاردها مطالبات لاوصول بر بانک تحمیل کرد و میلیونها تومان خودش برد و رشوه گرفت.

پس از پیروزی انقلاب و تشکیل شورای کارمندان، مبارزه بر علیه این شخص و داد و ستدش در بانک اوج گرفت و با فشارها از مدیر عاملی بانک خلع گردید. (۵۸/۳/۱۶) با کمک اناسف، در ۵۸/۳/۱۸ که بانکهای خصوصی تحت نظارت دولت درآمد و اعلام شد که بانکها ملی شده‌اند، با کمک مسعودی‌ها و لاجوردی‌ها و عوامل بویک صابر و حاج طرخانی، که در دستک دولت همچنان نفوذ مؤثر دارند، ایرج آژرم به همه خیانت‌ها و دزدی‌ها به مدیر عاملی بانک توسعه و سرمایه‌گذاری منصوب شد. ضمن اعتراض به دولت، از شورای انقلاب سوال میکنیم: آیا از این انتصابات، که نظائر آن زیاد است، با اطلاعی باشد؟ آیا بدترین و مورد زمان دستاوردهای انقلاب در حال ضعیف شدن نیست؟ آیا این مزدورهای رژیم، در آینده ضربه مهلکی به اقتصاد کشور وارد نخواهند ساخت؟ آیا صلاح نبود دولت آقای بازرگان مطالبه‌های هر چند مختصر در این انتصابات بعمل آورد تا خادم و خائن تشخیص داده شوند؟ آیا بدترین سوط به عملیات دولت در مردم ایجاد نمی‌شود؟ به این سوالات چه مرجعی جوابگو خواهد بود؟

کارمندان بانک ایران و تغییرات در سطح کشور باین ترتیب باشد، در آینده نزدیک امرات انقلاب بکلی نابود و رژیم سابق به شکلی دیگر جایگزین خواهد شد.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن، ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

م.ک

مخالفان رژیم، بلکه برای تولید یک جو آکنده از وحشت و ترس و اعمال فشار بر همه مردم منظور اسکت مخالفین بکار میرفت. دستکاه شکنجه‌گری با یک عمل واحد شیطانی چندین هدف را تعقیب میکرد. ۱- درهم شکستن نیروی مقاومت مخالفان، بز انور آوردن آنها و تبدیل آنها به انسانهای بی‌اراده‌ای در خدمت رژیم و کشتادن آنها در ورطه تنگین همکاری با ساواک. ۲- از بین بردن مبارزان سرسخت و تسلیم نا پذیر از طریق شکنجه کردن آنها تا به حد مرگ. ۳- ایجاد محیط ارباب و وحشت بین توده‌های مردم و بازداشتن آنها از مبارزه از طریق دامن زدن به شایعات مربوط به مخافت شکنجه. ۴- و بدین نحو خالی کردن میدان از معارضین و بازگذاشتن دست عمل رژیم و در رأس آنها محمد رضا پهلوی برای انجام هر عمل ضد ملی، هر نوع خیانت علیه مصالح مردم، مهر باطله زدن به نام مفاهیم مربوط به استقلال و حق حاکمیت ملی و دمکراسی، دادن آزادی به تاراجگران بین‌المللی، برای بقای ذخائر ملی‌ها، بشرط پرداخت حق السهم محمد رضا و خاندان سلطنتی و اعوان و انصار آنها، و از این راه تأمین پشتیبانی این قدرتها برای بقاء و دوام حکومت مطلقه سلطنتی.

نمایشگاه آثار هنری نهمیلا امیر ابراهیمی و شهاب موسوی زاده

در قانون اساسی انقلابی ایران - بادر سرگرفتن از همه واقعه‌های گذشته - باید جای ویژه‌ای به مسئله تحریم مطلق وقایع شکنجه و شکنجه‌گری داده شود. در وهله اول باید مجازات‌های سنگین برای هر کسی که بهر عنوان و بدستور هر مقام، هر گونه شکنجه جسمی و روانی را، بهر شکل و بهر ترتیب، در مورد هر فردی معمول دارد، پیش‌بینی گردد. هر دستور دهنده باید به مثابه مباشر عمل، مشمول چنین مجازاتی قرار گیرد. باید در قانون اساسی تصریح شود که هر گونه اعتراف، که بوسیله اعمال شکنجه، اعم از روانی و جسمی گرفته شود، فاقد هر گونه ارزش و اعتبار قانونی است. قانون باید حافظ مطلق حقوق هر زندانی باشد. زندانی باید در پناه قانون خود را مصون از هر عمل اراقدامی بداند که به موازین قانونی و انسانی دولت انقلابی مابینت پیدا کند.

در جمهوری اسلامی ایران به شکنجه جسمی و روانی انسان، یکبار برای همیشه، باید پایان داده شود.

از زندان آزاد شده‌اند، رجوع کنید و از آنها بخواهید که برایتان از گذشته‌های دردناک اسارت در زندانها و شکنجه‌گاه‌های شاه و از جمله فاتحان آنها، افسران حزب توده ایران، طی ۲۵ سال و از جمله آنها **محمد علی عموی** برایتان تعریف کنند. به حقیقت قسماشان بدهید و از شان بپرسید که آنها جاسوس بوده‌اند؟ نوکر و سر سپرده بوده‌اند؟ سرسوزنی مقابل رژیم سر تنظیم فرود آورده‌اند؟ جن وطنپرستی، آزادیخواهی و انسان دوستی چیزی در این جهان دارند؟ ...

من بعنوان یک انسان، که هفت سال از عمرم خود را در بیفوله‌های شاه سپری کرده و در حد توان خود با رژیم گذشته مبارزه کرده‌ام، جدا از تمصیبات مسلکی، به همه آنها که باز هم سعی دارند مانند اسالهای تنگن گنشته تاریخ را تحریف کنند و حقایق را دگرگون جلوه دهند، هشدار میده‌م که، دیگر امکان ندارد در آسمان ایران زیر این بماند. نسل جوانی که به میدان مبارزه برای آزادی و استقلال و پیشرفت برای ایران آمده، جویای حقیقت است و آنرا، از هر راهی که بتواند، کشف میکند. حتی اگر تمام وسایل ارتباط جمعی در دست کسانی باشد که احیانا دگرگون جلوه دادن حقایق را هدف خود قرار داده‌اند.

اینگونه سهواشها و سوء استفاده از وسائل ارتباط جمعی برای گمراه کردن مردم و پنهان کردن دشمنان واقعی مردم، اگر کار ساز بود، برای رژیم شاه مخلوع مفید واقع میشد و از سقوطش جلوگیری میکرد.

م.ک



محمد علی عموی و شهاب موسوی زاده در سالن بزرگ دانشکده هنرهای زیبا بنمایش در آمد، نهمیلا و شهاب از زمره نقاشان پرکار و متمه‌دی هستند که هر کدام بیش از یازده سال در کار نقاشی و طراحی سابقه دارند. در نمایشگاه اخیر شان نزدیک به ۷۰ تابلوی نقاشی و حدود ۱۰۰ طرح عرضه شده است.

این ششمین نمایشگاهی است که از کارهای نهمیلا بر گزار میشود و این بار کارهای او همه در زمینه زندگی روزمره مردم است. این آثار حاصل سالهای ۵۱ به بعد است.

شهاب موسوی زاده که در «کنده کاری» هم تجربه‌های موفقیت آمیز دارد، موضوع یازدهمین نمایشگاه کارهایش در زمینه مسائل تاریخی است. این نمایشگاه مشترک تا تاریخ ۲۶ تیرماه، صبح و بعداز ظهر ادامه دارد. دیدار از نمایشگاه را به همه دوستان توصیه میکنیم.

م.ک

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق